

نهادهای حقوق بین الملل؛ کارآمدی؟!*

مسعود اخوان فرد*

سید مهدی چهل تنی**

چکیده

جنگ ۲۲ روز اخیر غزه که در آغازین روزهای سال ۲۰۰۹ به وقوع پیوست، جنایت دیگری بود که از جانب رژیم اشغالگر قدس رخ داد. این در حالی است که توافقات بین‌المللی متعددی جهت ایجاد صلح میان فلسطینیان و رژیم صهیونیستی منعقد شده اما این رژیم به هیچ‌کدام از آنها پایبند نبوده است. در کنار جنایات ارتكابی، نکته‌ای که نظر نگارندگان را به مسئله غزه جلب نموده، اقدامات متناقض نهادهای بین‌المللی نسبت به مسئله فلسطین است. موضع‌گیری‌های شدید مجمع عمومی و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در برابر سکوت و انفعال محض شورای امنیت، از بارزترین این تناقضات است



* استادیار (عضو هیئت علمی) دانشگاه صنعتی مالک اشتر (mfardlaw@yahoo.com)

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (mcheheltani@gmail.com)

که این امر، حکایت از عدم استقلال نهادهای اخیر و نفوذ قدرتهای بزرگ در جریان موضع‌گیری و تصمیم‌سازی آنان دارد.

واژگان کلیدی: شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دیوان کیفری بین‌المللی، رژیم اشغالگر قدس، بحران غزه.

مقدمه

بمباران‌های رژیم اشغالگر قدس، محاصره و حمله متعاقب آن، نتایج مختلفی را به بار آورده است. شاید یکی از نتایجی که از منظر حقوقی قابل تأمل باشد، ایجاد شرایطی برای نهادهای بین‌المللی جهت انجام اقدامات مختلف در چارچوب وظایف و اهداف خود است. افکار عمومی در طول ۲۲ روز جنایات رژیم اشغالگر قدس نسبت به مردم بی‌دفاع فلسطین و پس از آن، خواهان رسیدگی به موضوع و محاکمه جنایتکاران شده و در این راستا اقدامات مختلفی را نیز به قدر توانایی خود انجام داده است که این موضوع، در اخبار جسته و گریخته از سراسر جهان به خوبی قابل مشاهده است اما در مورد نهادهای بین‌المللی، باید بررسی‌های جدی‌تری صورت گیرد.

در مقاله حاضر سعی بر آن است که ضمن بررسی وظایف نهادهای بین‌المللی مختلف، به اقدامات انجام گرفته توسط آنها و اقداماتی که می‌توانسته صورت گیرد، پرداخته شود. البته بحث‌های بسیاری در مورد دفاع مشروع و جنایات ارتكابی رژیم اشغالگر قدس قابل طرح است که در این مقاله نمی‌گنجد و نویسندگان نیز قصد ورود به آن را ندارند.

بر همین اساس، موضوع در دو بخش مجزا مورد بررسی قرار گرفته است. در شماره ۱، با بررسی کلی وقایع غزه، به برخی موارد نقض که سبب مداخله و واکنش نهادهای بین‌المللی بوده، اشاره شده است. در شماره ۲، نهادهای مختلفی که می‌توانند اقداماتی را در این زمینه انجام دهند، به ترتیب معرفی شده و عملکرد هر کدام مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.



۱- وقایع غزه

در دسامبر ۲۰۰۸، رژیم اشغالگر قدس پس از ۱۸ روز محاصره نوار غزه، به این منطقه حمله کرد؛ محاصره‌ای که در آن، سوخت، مواد غذایی و دارویی از غیرنظامیان و اهالی غزه دریغ شد.^۱ سپس حمله گسترده هوایی و دریایی به این منطقه آغاز شد^۲ و طی این حملات، بالغ بر ۳۰۰۰ نفر (که اکثراً غیرنظامی بودند) مجروح شدند و ۱۰۰۰ نفر (که اکثراً غیرنظامی بودند) جان باختند. در مقابل، تنها کمتر از ۱۰۰ نفر (که اکثراً نظامی بودند) از رژیم اشغالگر قدس کشته شدند.^۳ قطعنامه ۱۸۶۰ شورای امنیت سازمان ملل پس از گذشت حدود ۲۰ روز از جنگ و سکوت مرگبار شورا، جهت برقراری آتش‌بس فوری صادر گردید.^۴ نکته تأمل‌برانگیز این است که مردم غزه مکانی را برای فرار نداشتند زیرا تمام گذرگاه‌ها بر روی آنها بسته شده بود و در حقیقت آنها در یک زندان بزرگ گرفتار شده بودند. تنها گذرگاهی که می‌توانست امیدی برای این مردم باشد، گذرگاه رفح بود که آن هم توسط مصر تا مدت‌ها پس از پایان جنگ بسته ماند.^۵

در حقوق بین‌الملل، نخستین بار معاهده «بریان - کلوگ» به وضع قواعدی پیرامون منع توسل به زور پرداخت.^۶ ماده ۱ این معاهده می‌گوید: «متعاهدان معظم رسماً اعلام می‌کنند که توسل به جنگ را برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی، محکوم می‌کنند و از آن به عنوان وسیله و ابزار سیاست ملی در روابط دوجانبه خود صرف‌نظر می‌نمایند» در ماده ۲ آمده است: «دول عضو معاهده قبول می‌نمایند که حل هرگونه اختلافات یا مناقشات از هر قسم و منشأ که بین آنها رخ دهد، هیچ وقت نباید جز به موارد مسالمت‌آمیز صورت گیرد.»^۷ در اینکه این معاهده عرفی شده است، شکی وجود ندارد زیرا بعدها در اصول حاکم بر سازمان ملل متحد، منع توسل یا تهدید به توسل به زور به صراحت مورد شناسایی قرار گرفت. بر اساس بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، توسل به زور ممنوع است.^۸ اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل ۱۹۷۰ نیز بر این نکته تأکید دارد. همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری در آرای مختلف خود، توسل به زور را منع نموده است.^۹ دیوان در قضیه اقدامات نظامی و شبه‌نظامی ایالات متحده در نیکاراگوئه بر این باور است که «ممنوعیت توسل به زور در مورد ارسال نیروی نظامی به



سرزمین کشور دیگر با میزانی از گستردگی که به عنوان یک اختلاف مرزی کوچک شناخته نشود نیز اعمال خواهد شد.^{۱۰}

بمباران‌های مکرر رژیم اشغالگر قدس، صدمات بسیار زیادی را به زیرساخت‌ها و خانه‌های مسکونی وارد آورد و زمانی که قطعنامه آتش‌بس صادر گردید، رژیم اشغالگر قدس بدون هیچ توجهی به این قطعنامه، تا شش ماه بعد نیز به حملات گسترده خود ادامه داد.^{۱۱} قطعنامه ۳۳۴۱ (۱۹۷۴) مجمع عمومی در تعریف تجاوز می‌گوید: «تجاوز، کاربرد نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور دیگر یا به هر طریق دیگر، مغایر با منشور ملل متحد است که در این تعریف مشخص شده است. هرگونه عمل زیر، بدون توجه به اعلام شروع جنگ، با توجه به ماده ۲ می‌تواند به عنوان تجاوز تلقی شود: ۱ - تهاجم یا حمله مسلحانه به قلمرو یک کشور توسط نیروهای نظامی کشور دیگر یا هرگونه اشغال نظامی و ضمیمه‌سازی کشور که نتیجه آن حمله و تهاجم باشد؛ ۲ - بمباران سرزمین کشور دیگر توسط نیروهای مسلح یا به کار بردن هرگونه سلاح در سرزمین کشور دیگر؛ ۳ - محاصره بنادر یا سواحل هر کشور به وسیله نیروهای مسلح کشور دیگر؛ ۴ - حمله مسلحانه به خشکی، دریا یا هوای یک کشور یا زیردریاها یا ناوگانهای آن کشور؛ ۵ - استفاده یک کشور از نیروهای نظامی در خاک کشور هم‌پیمان خود در صورتی که ناقض پیمان میان آن دو باشد یا ادامه حضور نیروهای مسلح یک کشور در خاک کشور دیگر پس از انقضای مدت قرارداد؛ ۶ - اجازه یک کشور به کشور دیگر برای اینکه از خاک آن کشور برای تجاوز به ثالث استفاده شود؛ ۷ - اعزام دسته‌ها، گروه‌ها و نیروهای نظامی یا مزدوران توسط یک دولت به منظور انجام عملیات مسلحانه علیه دولتی دیگر با چنان شدتی که در زمره اقدامات بالا باشد یا درگیر شدن قابل ملاحظه دولت مزبور در آن عملیات.»^{۱۲} با توجه به تعدد گزینه‌های موجود برای تحقق تجاوز، به نظر می‌رسد تجاوز در وقایع اخیر غزه، از طرف رژیم اشغالگر قدس واقع شده است.

البته تنها استثنای وارد بر منع توسل به زور، بحث دفاع مشروع است. استدلال رژیم اشغالگر قدس نیز بر مبنای دفاع مشروع پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه است که البته این نوع دفاع مشروع در زمان جنگ ۳۳ روزه لبنان نیز مطرح شده بود. (Kattan, 2007) دفاع مشروع به این شیوه در دیوان بین‌المللی دادگستری مردود دانسته شده است و دیوان معنای مضیق از



ماده ۵۱ منشور ملل متحد را مطلوب می‌داند.^{۱۳} دفاع مشروع، اقدامات موقتی، فرعی، اختیاری و کنترل شده است که تا زمان تصمیم‌گیری از سوی شورای امنیت، به کار گرفته می‌شوند. ماده ۵۱، دفاع مشروع کلاسیک است و در نتیجه جنبه تنبیهی ندارد بلکه دفاعی است. این همان موضوعی است که از آن به تناسب یاد میشود. بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، شرایط دفاع مشروع از این قرار است: الف) حمله واقع شود؛ ب) دفع حمله صورت گیرد؛ پ) تناسب باشد؛ ت) فوریت داشته باشد؛ ث) ضرورت داشته باشد. با توجه به این شرایط، حتی اگر بپذیریم که رژیم اشغالگر قدس به دفاع مشروع متوسل شده است، به علت عدم وجود تناسب، این دفاع مشروع از حوزه ماده ۵۱ خارج خواهد بود.

۲- عملکرد نهادهای بین‌المللی

۲-۱- ارکان سازمان ملل متحد

۲-۱-۱- مجمع عمومی

مجمع عمومی سازمان ملل به عنوان رکن فراگیر سازمان، وظیفه ثانوی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد اما این روند از سال ۲۰۰۴، با درخواست نظر مشورتی در مورد دیوار حائل، تا حدی در حال تغییر است.^{۱۴} اقدام این رکن در زمانی که شورای امنیت در حال اجرای نقشه راه در فلسطین اشغالی بود، نمونه بارز نقض ماده ۱۲ منشور ملل متحد است: «تا زمانی که شورای امنیت در مورد هر اختلاف یا وضعیت، در حال انجام وظایفی است که در این منشور به آن محول شده است، مجمع عمومی در مورد آن اختلاف یا وضعیت، هیچ‌گونه توصیه‌ای نخواهد کرد.» مجمع عمومی در مورد ساخت دیوار حائل، از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست نظر مشورتی نمود. این مطلب سرآغاز فعالیت مستقل مجمع عمومی در مسائل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بود.

در وقایع اخیر غزه نیز در حالی که شورای امنیت جلساتی را برگزار می‌کرد و در حال مذاکراتی برای تصویب قطعنامه بود،^{۱۵} مجمع عمومی در ۱۵ ژانویه ۲۰۰۹ اقدام به برگزاری جلسه‌ای اضطراری نمود^{۱۶} که طی آن، حملات شدیدی به رژیم اشغالگر قدس صورت گرفت. اقدام دیگر مجمع عمومی، تصویب قطعنامه‌ای بعد از قطعنامه ۱۸۶۰ شورای امنیت بود.^{۱۷}



این اقدام، معمول به نظر می‌رسد و مطابق با ماده ۱۲ منشور بود. از آنجایی که رژیم اشغالگر قدس چند روز پس از تصویب قطعنامه آتش‌بس توسط شورای امنیت، حملات خود را متوقف نکرد، مجمع عمومی طی قطعنامه‌ای شدیدالحن از رژیم اشغالگر قدس خواست تا هرچه سریع‌تر، به تعهدات مندرج در قطعنامه ۱۸۶۰، ملتزم و پایبند گردد. این اقدام مجمع عمومی نه تنها مخالف رویه‌های مجمع عمومی نبود بلکه تأکیدی بر اقدام شورای امنیت در صدور قطعنامه آتش‌بس محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد مجمع عمومی یکی از نادرترین اقدامات خود را در طول این جنگ انجام داد و از بیشترین ظرفیت خود جهت پایان دادن یا حتی محکوم کردن رژیم اشغالگر قدس استفاده نمود. در این میان، نکته‌ای که مطرح شد اما مجمع عمومی نتوانست نسبت به اقدام در مورد آن به توفیقی دست یابد، بحث از قطعنامه «اتحاد برای صلح» بود. به موجب این قطعنامه که در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۵۰ به تصویب رسید،^{۱۸} زمانی که اعضای دائم شورای امنیت به هر علتی نتوانستند در مسئله‌ای که تهدید علیه صلح، نقض صلح یا تجاوز است، تصمیم لازم را با توجه به وظیفه خود اتخاذ نمایند، مجمع عمومی می‌تواند مداخله نماید.^{۱۹} از آنجا که این قطعنامه، فعالیت‌های مجمع عمومی را محدود ننموده و برای آن به صورت انحصاری فعالیت خاصی را مشخص نکرده است، آیا می‌توان «از مجمع درخواست نمود تا دادگاهی موقت برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی رژیم اشغالگر قدس، مانند آنچه در مورد جنایات در یوگوسلاوی سابق و رواندا انجام داد، تشکیل دهد؟» تأسیس دادگاه موقت یکی از روش‌هایی است که در شرایط فعلی می‌تواند تا حدی پاسخگوی افکار عمومی باشد.

البته این مسئله که موضوع ایجاد این دادگاه با رسیدگی‌های دیوان کیفری بین‌المللی در تعارض است یا خیر، جای بحث‌های مفصلی دارد. به نظر می‌رسد، از آنجا که دیوان کیفری بین‌المللی، تاکنون صلاحیت خود را در رسیدگی به موضوع یا حتی آغاز اقدامات مقدماتی بر اساس مواد ۱۴ تا ۱۷ اساسنامه خود تأیید ننموده است،^{۲۰} انجام اقداماتی از سوی سایر مراجع و نهادهای بین‌المللی، می‌تواند مؤثر باشد.

پیش‌بینی انجام برخی از اقدامات توسط مجمع عمومی، باعث موضع‌گیری شدید نماینده رژیم اشغالگر قدس در سازمان ملل متحد شد و در مذاکرات قطعنامه ۱۸۶۰ شورای امنیت،



نماینده این رژیم به صراحت اعلام نمود که صدور چنین قطعنامه‌ای توسط شورای امنیت، راه را برای به‌کار انداختن قطعنامه اتحاد برای صلح می‌بندد.^{۲۱} این عبارات و سایر موضع‌گیری‌ها، به راحتی نشانگر نقش مهم و تعیین‌کننده مجمع عمومی در مقابل شورای امنیت است. خطر فعال شدن مجمع عمومی، شورای امنیت را بر آن داشت تا بعد از مدت‌ها سکوت، قطعنامه‌ای بسیار ضعیف صادر کند و از طرفین درخواست آتش‌بس فوری نماید.

۲-۱-۲- شورای امنیت

وجود کشوری مانند ایالات متحده آمریکا این واقعیت را نشان می‌دهد که تمام اقدامات رژیم اشغالگر قدس در عرصه بین‌المللی، از طرف شورای امنیت محکوم نخواهد شد. از همین رو، کشورهای جهان که هیچ‌امیدی به اقدام از طرف شورای امنیت نداشتند، به انجام اقداماتی از طرف مجمع عمومی مبادرت نمودند. شورای امنیت در بحران‌های مختلف، ماهیت سیاسی و غیرعادلانه بودن تصمیماتش را به خوبی نشان داد. جنگ ۳۳ روزه رژیم اشغالگر قدس با لبنان در سال ۲۰۰۶ نمونه بارزی از این اقدامات است. قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت که بعد از جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶ صادر شد، به محکوم نمودن حزب‌الله اکتفا کرد^{۲۲} و این نوع تصمیم‌گیری، افکار عمومی را به این نتیجه رسانده است که شورای امنیت طبعاً نمی‌تواند تصمیمی در مورد مسائل غزه اتخاذ نماید.



پیش‌بینی افکار عمومی مقرون به صحت است. شورای امنیت در طول جنگ غزه هیچ واکنش جدی از خود نشان نداد. گویا این شورای امنیت، همان شورایی نیست که تنها یک روز بعد از حملات به برج‌های تجارت جهانی، قطعنامه ۱۳۶۸ را صادر نمود و اقدامات وسیع و گسترده‌ای را برای مقابله با آنچه تروریسم می‌نامید، آغاز نمود.^{۲۳} در حالی که نقض مکرر قواعد بین‌المللی توسط رژیم اشغالگر قدس در طول جنگ، نه‌تنها نقض صلح بین‌المللی تلقی نشد، بلکه حتی تهدید علیه صلح نیز شناخته نشد. جالب‌تر اینکه این اقدامات، مورد حمایت ایالات متحده بود و در نهایت نیز قطعنامه ۱۸۶۰ با لحنی یکجانبه و بر اساس آنچه از فحواي کلام این قطعنامه برمی‌آید، اقدامات حماس را محکوم نمود و سخنی از محکومیت اقدامات رژیم اشغالگر قدس به میان نیاورد. این اقدام شورای امنیت، پس از گذشت حدود ۲۰ روز از

جنگ، نوعی به استهزاء کشیدن شورا و توهین به افکار عمومی جهانیان بود. شورای امنیت با این قطعنامه، بیش از پیش مشروعیت خود را زیر سؤال برد. تعبیر «کوه موش زاید» که در هنگام صدور قطعنامه علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز کشورمان به کار رفت، در اینجا نیز به کار می‌رود و معنای جالبی از آن مستفاد می‌گردد. شاید بهتر باشد این لفظ را به این صورت اصلاح نماییم که «موش، موش زاید».

مهم‌ترین تحلیلی که در قضاوت اقدامات شورای امنیت می‌توان بیان نمود، یکجانبه‌گرایی و ناعادلانه بودن تصمیمات این نهاد است که در این جنگ نیز به خوبی خود را نشان داد. می‌توان مدعی شد که کشورهای جهان، بعد از اینکه از انجام اصلاحات در شورای امنیت ناامید شدند، دیگر امیدی به انجام اقدامات مقتضی یا حتی اقدامات حداقلی توسط این شورا نیز نداشتند و شاید این یأس باعث می‌شود که تحلیل زیادی از اقدامات شورا متصور نباشد. در آغاز جنگ، این تصور جهانی وجود داشت که شورای امنیت تا زمانی که رژیم اشغالگر قدس به اهداف خود دست می‌یابد یا محتمل است که دست یابد، اقدام خاصی انجام نخواهد داد و زمانی که رژیم اشغالگر قدس در محمه افتاد، شورای امنیت به کمک این رژیم خواهد شتافت و به اصطلاح، آن رژیم را از مهلکه نجات خواهد داد. همین اتفاق هم افتاد. قطعنامه حداقلی که تقریباً با محکوم نمودن حماس نیز همراه بود، بعد از گذشت بیش از نیمی از جنگ می‌تواند شاهد مثال مناسبی برای این امر باشد. همچنین در بحران‌های دیگری که میان اعراب و رژیم اشغالگر قدس بوده است، این مورد به چشم می‌خورد. جنگ ۳۳ روزه لبنان مثال دیگری در این زمینه است.

۲-۱-۳- شورای حقوق بشر

شورای حقوق بشر، رکنی از ارکان سازمان ملل متحد است که در سال ۲۰۰۶ برای پیگیری مسائل مربوط به حقوق بشر ایجاد شد. شورای حقوق بشر که از بدو تشکیل، مواضع ضد رژیم اشغالگر قدس و آمریکایی داشته است و به همین علت نیز آمریکا از شرکت در آن خودداری مینماید، بار دیگر در قطعنامه‌ای اقدامات رژیم اشغالگر قدس را به شدت محکوم کرد. قطعنامه شدیدالحنی که همپا و همتای بیانیه رئیس مجمع عمومی بود و شاید تاکنون



سابقه‌ای نداشته است.

اقدام دیگر شورای حقوق بشر، گسیل داشتن کمیته حقیقت‌یاب^{۲۴} جهت بررسی اوضاع و ارائه گزارش بود.^{۲۵} این اقدام شورا نیز می‌تواند حاوی پیام‌های مثبتی در زمینه رسیدگی به اقدامات رژیم اشغالگر قدس باشد.

مشکل شورای حقوق بشر، مشکل عمومی حقوق بین‌الملل است. الزام‌آور نبودن قطعنامه‌های این شورا و عدم اجرایی شدن آنها، مشکلی است که در سر راه این شورا وجود دارد اما صرف موضع‌گیری شورای حقوق بشر به عنوان تنها اقدامی که می‌تواند انجام دهد، قدم مثبتی در محکومیت رژیم اشغالگر قدس محسوب می‌شود. به تعبیر دیگر، شورای حقوق بشر از تمام ظرفیت خود به نحو احسن برای محکوم نمودن رژیم اشغالگر قدس استفاده نموده است و اجرایی نشدن قطعنامه‌های این شورا به مشکل ذاتی حقوق بین‌الملل و نه به کاهلی شورا بازمی‌گردد.

۲-۲-۲- برخی نهادهای بین‌المللی دیگر

۲-۲-۲-۱- صلیب سرخ جهانی

صلیب سرخ از ابتدای جنگ، با ارائه گزارش‌های مختلفی از نقض قواعد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، به فعالیت می‌پرداخت. البته فعالیت‌های عملیاتی این نهاد به علت ایجاد محدودیت‌های مختلف از طرف رژیم اشغالگر قدس، بسیار محدود شده بود اما صلیب سرخ در طول جنگ از محکوم نمودن اقدامات رژیم اشغالگر قدس و انجام وظیفه خود کوتاهی ننمود. از جمله گزارش‌های صلیب سرخ، می‌توان به تأکید بر استفاده رژیم اشغالگر قدس از بمب فسفوری اشاره کرد.^{۲۶}

۲-۲-۲-۲- دیوان کیفری بین‌المللی^{۲۷}

به موجب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و آیین دادرسی آن، این دیوان می‌تواند از طریق یکی از موارد زیر اقدامات خود را پیگیری نماید:
الف) ارجاع موقعیتی توسط شورای امنیت به دیوان (ماده ۱۳ اساسنامه دیوان): بر اساس



ماده ۱۳ اساسنامه «دیوان می تواند صلاحیت خود را در مورد جرایم مندرج در ماده ۵ اساسنامه خود در موارد زیر اعمال نماید: ... ب) موقعیتی که یک یا چند جرم از جرایم مطروحه، ارتکاب یافته باشند و موضوع بر اساس فصل هفتم توسط شورای امنیت به دیوان ارجاع شود.»^{۲۸} در این زمینه دو موضوع مورد توجه قرار میگیرد: ۱- تشخیص یک موقعیت توسط شورا؛ ۲- ارجاع آن به دیوان. هر دو مورد با توجه به تحلیل‌هایی که از نوع اقدامات شورای امنیت مطرح شد، در قضیه غزه منتفی است. بنابراین ارجاع امر توسط شورای امنیت قابل پیگیری نیست. البته باید توجه داشت که شورای امنیت بحث سودان را که فاجعه‌ای به مراتب کم شدت‌تر از قضیه غزه بوده است، به دیوان ارجاع داده^{۲۹} و اخیراً نیز اکامپو، دادستان دیوان، کیفرخواستی را علیه عمرالبشیر به جرم نسل‌کشی صادر نموده است.^{۳۰} مقایسه این دو موضوع، بار دیگر به خوبی ضعف شورای امنیت را مشخص می‌نماید.

ب) شکایت یک کشور عضو از کشور عضو دیگر (ماده ۱۴ اساسنامه دیوان): بر اساس ماده ۱۴ اساسنامه: «کشورهای عضو می‌توانند موقعیتی را به دادستان ارجاع دهند»^{۳۱} این موضوع نیز در قضیه غزه قابلیت پیگیری ندارد زیرا رژیم اشغالگر قدس، عضو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیست.

ج) انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادستان (مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه دیوان): بر اساس ماده ۱۲ اساسنامه «... ۳ - کشوری که عضو اساسنامه دیوان نیست، می‌تواند با ثبت بیانیه‌ای نزد رئیس دبیرخانه، صلاحیت این مرجع را در مورد موضوع خاصی بپذیرد» و به موجب بند ج ماده ۱۳ اساسنامه دیوان «دادستان ابتدا تحقیقاتی را در مورد جرایم و بر اساس اختیارات ماده ۱۵ انجام دهد.»^{۳۲} این موضوع نیز به خواست دادستان بازمی‌گردد. اگر دادستان تمایلی به انجام تحقیقات مقدماتی داشت، می‌تواند با وجود اسناد و مدارک به این کار دست زند اما دادستان دیوان اعلام نموده است که تمایلی برای این کار ندارد و مستقلاً عمل نخواهد کرد.^{۳۳}

د) ارائه دادخواست از طریق سازمان‌های غیردولتی (ماده ۸۶ آیین دادرسی دیوان): ماده ۸۶ آیین دادرسی دیوان به سازمان‌های غیردولتی مجوز می‌دهد تا خواستار تحقیق و پیگیری موضوعی توسط دادستان دیوان کیفری بین‌المللی شوند.^{۳۴} در این خصوص، یک گروه از حقوقدانان لبنانی به سرپرستی خانم الخنسی، دادخواستی را به دیوان ارائه نموده‌اند که



دادستان دیوان در حال بررسی آن است.^{۳۵} البته در آخرین اظهار نظر، دادستان اعلام نموده است می‌تواند بر اساس این دادخواست، اقدام به تحقیقات مقدماتی نماید.^{۳۶} در این زمینه دو نکته قابل توجه است: ۱- دادخواستی که توسط سازمانهای غیردولتی ارائه میشود، فقط برای آغاز تحقیقات مقدماتی است و نمی‌تواند منجر به رسیدگی شود.^{۳۷} ۲- انجام تحقیقات مقدماتی که دادستان با آن موافقت نموده است، با مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه متفاوت است زیرا این تحقیقات به تبع دادخواست خواهد بود در حالی که انجام تحقیقات مقدماتی ناشی از مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه، به صورت مستقل است.

در این مورد نیز ضعف ساختاری شدید دیوان کیفری بین‌المللی مشهود است. دیوانی که برای رسیدگی به مهم‌ترین جرایم بین‌المللی تشکیل شده است اما از حداقل امکاناتی که در اختیار دارد، استفاده نمی‌نماید، نمی‌تواند معنای مثبتی داشته باشد. حداقل اقدامی که این دیوان می‌توانست انجام دهد، انجام تحقیقات مقدماتی مستقل توسط دادستان بود که دادستان از این کار امتناع ورزید. این مطلب، نشان‌دهنده نفوذ بیش از حد اعضای دائم شورای امنیت در دیوان کیفری بین‌المللی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به وقایع غزه و ایجاد مسئولیت برای نهادهای بین‌المللی، به نظر می‌رسد عملکرد آن نهادها، قوت و ضعف متفاوتی داشته‌اند. در جایی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد با برقراری جلسه اضطراری و صدور قطعنامه شدیدالحن، موضعی مخالف اقدامات رژیم اشغالگر قدس اتخاذ نمود، شورای امنیت سازمان ملل متحد که وظیفه ابتدایی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد و مدعیان حقوق بشر و حافظان صلح و امنیت بین‌المللی در آنجا جمع شده‌اند، حداقل اقدامات مقتضی را آن هم با گذشت مدت زمان طولانی از شروع بحران انجام داد. از سوی دیگر، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد که مهم‌ترین نهاد حقوق بشری آن سازمان است، با صدور قطعنامه تندی علیه رژیم اشغالگر قدس، اقدامات آن رژیم را محکوم نمود در حالی که دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی و انجام تحقیقات مقدماتی مردد است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد برخی نهادهای بین‌المللی از جمله مجمع عمومی و شورای



حقوق بشر، اقدامات مؤثر و درخوری داشته‌اند و برخی دیگر مانند شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی با سکوت یا عدم پذیرش موضوع، بیش از پیش وابسته بودن خود را به قدرت‌های بزرگ اثبات نمودند و جو بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای بین‌المللی را در افکار عمومی تقویت کردند.

پانویس

۱. ویژه‌نامه غزه در خون ۲، استاد دانشجویی حمایت از مقاومت اسلامی غزه، بسیج دانشگاه‌های استان فارس.
2. www.articlesbase.com/politics-articles/why-christian-holydays-were-used-to-start-the-gaza-operation-712663.html
3. The 32nd plenary meeting of the 10th emergency special session on the illegal Israeli actions in occupied east Jerusalem and the rest of the occupied Palestinian territory, 15 January 2009, Para. 3, P. 1.
4. SC, Res 1860 (8 January 2009).
5. www.csmonitor.com/2009/0109/p04s01-wome.html
6. Treaty between the United States and other Powers providing for the renunciation of war as an instrument of national policy. Signed at Paris, August 27, 1928, An Electronic Publication of the Avalon Project - William C. Fray and Lisa A. Spar, Co-Directors copyright 1996 The Avalon Project
7. Kellogg-Briand Pact 1928, Art. 1-2.
8. The Charter of the United Nations, Art 2 (4).
9. Oil Platforms (Iran v. U.S.), Judgment-Merits, November 6, ICJ Reports (2003), pp. 161 – 219; Legal consequences of the construction of a wall in the occupied Palestinian territory, Advisory Opinion, 2004 ICJ 131 (July 9, 2004); Armed activities on the territory of the Congo (Congo v



Uganda), Judgment-Merits 2005 ICJ 116 (December 19, 2005).

10 . Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Judgment-Merits, (27 June 1986), at para. 195

11. www.cnn.com/2009/WORLD/meast/01/17/israel.gaza/index.html

12 . GA, Res 3341 (XXIX), (17 December 1974).

13 . Nicaragua v. U.S., at para. 24.

14 . Legal consequences of the construction of a wall in the occupied Palestinian territory, Advisory Opinion,(9 July 2004).

۱۵ . شورای امنیت، جلسات مختلفی را برای بررسی موضوع غزه برگزار نمود که تنها جلسه ۸ ژوئن ۲۰۰۹ آن منجر به صدور رأی شد. از جمله جلساتی که در سال ۲۰۰۹ برگزار شد و بی‌نتیجه ماند، جلسات ۶ تا ۸ ژوئن بود.

16 . The 32nd plenary meeting of the 10th emergency special session on the illegal Israeli actions in Occupied east Jerusalem and the rest of the occupied Palestinian territory, (15 January 2009).

17 . GA/Res 10809, (16 January 2009).

18 . GA/ Res 377 (V), (30 November 1950).

19 . GA/ Res 377 (V), (30 November 1950), Para. C (7).

20. Rome Statute of the International Criminal Court, A/CONF.183/9 of 17 July 1998, The statute entered into force on 1 July 2002, Art. 14 – 17.

21 . www.un.org/News/Press/docs/2009/sc9567.doc.htm

22 . SC/Res/1701, (11 August 2006).

23. SC/Res/1368, (12 September 2001).

24. Fact- Finding Committee

25 www.unhcr.ch/hurricane/hurricane.nsf/0/47667EA2AA07F253C-125753C004DAFB2?opendocument



26. www.icrc.org/Web/Eng/siteeng0.nsf/html/weapons-interview-170109
27. International Criminal Court (ICC)
- 28 . Rome Statute of the International Criminal Court, A/CONF.183/9 of 17 July 1998, Art. 13 (b).
- 29 . ICC-02/05, Investigation Situation in Darfur, Sudan, Referral - 31.03.2005.
30. www.icccpi.int/menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/icc%20issues%20a%20warrant%20of%20arrest%20for%20omar%20al%20bashir_%20president%20of%20sudan
- 31 . Rome Statute of the International Criminal Court, Art. 14.
- 32 . *Ibid*, Art. 13 (c).
- 33 . *Ibid*, Arts. 12- 13.
- 34 . Regulations of the Court ICC-BD/01-01-04, Regulation 86
- 35 . HOKOK IS REGISTERED INTERNATIONALLY (North America, Europe, and Latin America) and is listed and affiliated with the United Nations (ESCWA). Its petition is spending for Consultative Status with the United Economic and Social Council (ECOSOC), based in Geneva, Switzerland and (HOKOK) is member of the international coalition for the International Criminal Court. Registration NUMBER: DCRA NGO 141093
36. internationallawobserver.eu/2009/02/11/the-ICC-and-Palestine/
- 37 . Regulations of the Court ICC-BD/01-01-04, Regulation 86, Participation of victims in the proceedings under rule 89.



منابع فارسی

- ویژه‌نامه غزه در خون ۲، ستاد دانشجویی حمایت از مقاومت اسلامی غزه، بسیج دانشگاه‌های استان فارس.

English

- Armed activities on the territory of the Congo (Congo v Uganda), December 19, 2005.
- GA/Res/ 3341 (XXIX), 17 December 1974
- GA/Res/ 10809, 16 January 2009.
- GA/ Res/ 377 (V), 30 November 1950.
- GA/ Res/ 377 (V), 30 November 1950, Para. C (7).
- HOKOK IS REGISTERED INTERNATIONALLY (North America, Europe, and Latin America) and is listed and affiliated with the United Nations (ESCWA). Its petition is spending for Consultative Status with the United Economic and Social Council (ECOSOC), based in Geneva, Switzerland and (HOKOK) is member of the international coalition for the International Criminal Court. Registration NUMBER: DCRA NGO 141093
- ICC-02/05, Investigation Situation in Darfur, Sudan, Referral - 31.03.2005.
- Legal consequences of the construction of a wall in the occupied Palestinian territory, Advisory Opinion, 9 July 2004.
- Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), 27 June 1986
- Oil Platforms (Iran v. U.S.), 6 November 2003.
- Regulations of the Court ICC-BD/01-01-04
- Rome Statute of the International Criminal Court, A/CONF.183/9 of 17



July 1998, The Statute entered into force on 1 July 2002.

- SC/Res/ 1860 (8 January 2009).

- SC/Res/1701, 11 August 2006.

- SC/Res/ 1368, 12 September 2001.

- The 32nd plenary meeting of the 10th emergency special session on the illegal Israeli actions in Occupied east Jerusalem and the rest of the occupied Palestinian territory, 15 January 2009

- Treaty between the United States and other Powers providing for the renunciation of war as an instrument of national policy. Signed at Paris, August 27, 1928 (Kellogg-Briand Pact 1928).

- Victor Kattan, 'The Use and Abuse of Self-Defence in International Law: The Israel-Hezbollah Conflict as a Case Study', (British Institute of International and Comparative Law, June 15, 2007).

Sites

www.articlesbase.com

www.csmonitor.com

www.cnn.com

www.un.org

www.unhchr.ch

www.icrc.org

www.icc-cpi.int

internationallawobserver.eu

